

## اجتماعات شناختی و عرصه سیاست جهانی محیط زیست

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۲/۵  
تاریخ تأیید نهایی: ۱۳۹۰/۸/۲۱

دکتر حمیرا مشیرزاده\*  
سیده فاطمه هاشمی\*\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### چکیده

افزایش ابهام‌ها در مشکلات جهان‌گستری همچون مسائل زیست‌محیطی، سیاست‌گذاری جهانی در خصوص این موضوعات را با پیچیدگی‌هایی مواجه کرده است. به طوری که جامعه بین‌المللی نیازمند شناخت و آگاهی یافتن از این مسائل با اهمیت برای برخورد و تصمیم‌سازی مناسب در مورد آن‌هاست. اجتماعات شناختی از کنشگرانی هستند که با تحقیق و بررسی، معرفی مسائل، انتشار آگاهی، فراهم کردن گفتمان جمعی و گزینش سیاست‌ها، زمینه‌ساز سیاست‌گذاری در حوزه موضوعات و مشکلات زیست‌محیطی هستند. این مقاله به دنبال تحلیل نقش این کنشگران در عرصه سیاست جهانی محیط زیست است.

**واژگان کلیدی:** اجتماعات شناختی، عرصه سیاست جهانی، مسائل زیست‌محیطی،

سازمان‌نگاری، شناخت، چارچوب‌بندی، گفتمان

\* دانشیار گروه روابط بین‌الملل  
دانشگاه تهران

hmoshir@ut.ac.ir

\*\* کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل  
دانشگاه تهران

## مقدمه

مشکلات و مسائل جهانی در حال پیچیده تر شدن هستند و ابعاد فنی و تخصصی این مسائل نیازمند بررسی‌های لازم و ضروری در جهت تدوین تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های تاثیرگذار به منظور رفع و برطرف نمودن این مشکلات است. حوزه و ابعاد مسائل زیست محیطی یکی از این نمونه‌ها است که توجه عرصه جهانی را به خود معطوف کرده است، به طوری که سیاست‌گذاران نمی‌توانند بی‌تفاوت به ابعاد گوناگون و تخصصی مشکلات پدید آمده و رو به فزونی زیست محیطی به اتخاذ تدابیر و سیاست‌های مناسب بپردازند. در زمینه طرح و دنبال کردن مسائل زیست محیطی مجموعه‌ای از کنشگران مختلف از جمله دولت‌ها، جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌های غیردولتی، سازمان‌های بین‌المللی، دانشمندان متخصص، و ... دخیل هستند. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که با توجه به شرایط گفته شده، کدام یک از کنشگران قادر به تاثیرگذاری بیشتری در جهت سیاست‌گذاری جهانی در عرصه مسائل زیست محیطی هستند.

افزایش ابهام‌های فنی و پیچیدگی‌های مشکلات جهانی از یک سو منجر به هماهنگی در سیاست‌گذاری بین‌المللی شده و از سوی دیگر به طور فزاینده‌ای این هماهنگی را با مشکل روبرو کرده است. بنابراین چنانچه تصمیم‌گیران با ابعاد فنی مشکلات خاص ناآشنا باشند نمی‌توانند منافع دولت‌ها را تعریف کرده و راه‌حل‌های کاربردی خلق کنند. در نتیجه برای برطرف کردن ابهامات و پیچیدگی‌های مشکلات جهانی همچون تخریب هسته‌ای و یا این که چطور در مقابل تهدیداتی که متوجه لایه ازون است پاسخگو باشیم، نیازمند اطلاعات هستیم. اطلاعات در خصوص این ابهامات متشکل است از نمایش فرآیندهای اجتماعی یا فیزیکی، رابطه‌شان با دیگر فرآیندها و نتایج احتمالی فعالیت‌هایی که نیازمند کاربرد تجربیات فنی یا علمی قابل توجه هستند. این اطلاعات محصول تفاسیر بشری از پدیده‌های اجتماعی و فیزیکی هستند. گفته می‌شود اجتماعات شناختی یکی از فراهم‌کنندگان این نوع از اطلاعات هستند (Haas 1992A: 1,4).

اجتماعات شناختی (Epistemic Communities) از کنشگران جدید در عرصه سیاست جهانی هستند. این شبکه‌ها و اجتماعات مبتنی بر آگاهی، شناخت و معرفت وارد حوزه‌های گوناگونی همچون امنیت، اقتصاد سیاسی بین‌الملل و محیط زیست

شده و مشغول کنترل مشکلات بین‌المللی هستند.

یکی از حوزه‌هایی که این کنشگران در آن تأثیرگذار بوده و در توسعه سیاست‌های آن نقش داشته‌اند، حوزه مسائل زیست‌محیطی است. در عصر حاضر مشکلات و مسائل زیست‌محیطی دارای ابعاد گسترده و پیچیده‌ای هستند، مسائلی همچون تخریب لایه اوزن، تغییرات آب و هوایی، از میان رفتن تنوع زیستی و ...، توجه جهانیان را در تمام سطوح به خود معطوف کرده است. آنچه مشخص است این که در دوره فعلی توجه و رسیدگی به این مسائل، اهمیت فراوان و قابل ملاحظه‌ای یافته و کنشگران گوناگون به دنبال تأثیرگذاری بر این مشکلات و کاهش آثار سوء آن‌ها هستند که در این میان اجتماعات شناختی نیز تلاش‌هایی داشته‌اند به طوری که نقش این اجتماعات در عرصه مسائل زیست‌محیطی گسترش یافته و مورد توجه قرار گرفته است. در واقع فرضیه این مقاله بر نقش اجتماعات شناختی در نمایان کردن مشکلات، برجسته کردن آن‌ها، نشان دادن راه‌حل‌های بی‌طرفانه و مهیا کردن شرایط مناسب برای شکل‌گیری مذاکرات جهانی حول موضوعات زیست‌محیطی تأکید دارد.

این نوشتار دارای دو بخش مباحث نظری و بررسی تجربی و موردی تأثیرگذاری اجتماعات شناختی در سیاست‌گذاری‌های جهانی زیست‌محیطی است. ابتدا به بررسی رویکرد نظری، تعاریف و برداشت‌ها از این کنشگر اشاره کرده و در بخش بعد به تحلیل موارد تجربی اثرگذاری اجتماعات شناختی پرداخته و در نهایت نقش آن را ارزیابی و نتیجه‌گیری می‌نماییم.

### چارچوب مفهومی

اجتماعات شناختی را می‌توان به عنوان گروهی از نمایندگان تعریف کرد که در هدف مشترک خلق آگاهی و چارچوب مشترکی که اجازه فهم این روند را می‌دهد، مشارکت دارند. هدف اجتماعات شناختی همزمان خارج و فراتر از اعضای اجتماع است. اجتماعات شناختی برای رسیدن به یک هدف و قدرت شکلی که برای تکمیل کردن این هدف متصف به آنهاست سازمان یافته‌اند (Cohendent, Creplet and Dupouet, 2001:7-8).

مفهوم اجتماعات شناختی اخیراً در ادبیات روابط بین‌الملل مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و از آن برای توصیف همکاری‌های بین‌المللی استفاده می‌شود. در

واقع از سال ۱۹۹۲ جهان شاهد افزایش انواع کارشناسان آگاهی محور بین‌المللی یا شبکه‌های دانش بوده است. اجتماعات شناختی به عنوان یک مفهوم دوباره در سال ۱۹۹۲ به وسیله پیترهاس وارد ادبیات روابط بین‌الملل شد. هاس این اجتماعات را به عنوان شبکه‌ای از حرفه‌ای‌ها با صلاحیت و مهارت‌های تشخیص داده شده در حوزه‌ای خاص و یک اقتدار مدعی سیاست‌گذاری مرتبط با دانش در چنین قلمرویی تعریف کرده است (Deacon, 2007: 17, 89).

اجتماعات شناختی می‌توانند متشکل از دانشمندان اجتماعی یا افرادی از هرگونه حرفه‌ای باشند که ادعایی به اندازه کافی قوی در مورد بخشی از معرفت داشته باشند که نزد جامعه معتبر باشد (Haas, 1992A: 16).

از میان رویکردهای مختلف در روابط بین‌الملل نظریه‌سازهانگاری (Constructivism) نقش شناخت و اجتماعات شناختی در عرصه سیاست جهانی را بهتر می‌تواند توضیح دهد. در واقع سه عنصر وجود دارد که سازهانگاری را از سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل متفاوت می‌کند. اول این که گفته می‌شود سیاست جهانی به وسیله افکار مشترک بین‌ذهنی، هنجارها و ارزش‌هایی که توسط کنشگران برپا می‌شود، هدایت می‌شوند. دوم این که سازهانگاران بر بعد بین‌ذهنی شناخت متمرکزند به این علت که آنها خواستار تأکید بر بعد اجتماعی وجود انسانی هستند و سوم نقش عقاید مشترک به عنوان ساختار اندیشه‌ای شکل دهنده به رفتار است. این به سازهانگاران اجازه می‌دهد تا این ساختار را به عنوان نیروی علیّی پیش برنده به سمت تعریف مجدد منافع و هویت‌ها در فرآیند عمل متقابل مطرح کنند (Copeland, 2006:3).

از دید سازهانگاران، ساختارهای شناخت یا معانی بین‌ذهنی، فعالیت‌ها و اعمالی را امکان‌پذیر می‌سازند و رفتارها را می‌توان تنها درون زمینه بین‌ذهنی از شناخت مشترک درباره جهان درک کرد. جهان مبتنی بر شناخت مشترک جایی است که اهداف نیازمند توافق انسان‌ها هستند. جایی که فعالیت‌های مهم عرصه سیاست جهانی در آن واقع می‌شود. فعالیت کارگزاران ساختارهای اجتماعی از شناخت مشترک و اجماعی خلق می‌شود که جهان اجتماعی را سازمان می‌دهد و تعریف می‌کند. افکار، معانی و شناخت اجتماعی تعریف‌کننده و تشکیل دهنده ساختار سیاست جهانی هستند. در مذاکرات چندجانبه این ساختارهای فکری هستند که کنشگران مذاکره‌کننده را تعیین می‌کنند، همچنین مشکلات را در طول مذاکرات تعریف کرده و راه‌حل‌های

مذاکره‌ای پذیرفتنی و ممکن را تعیین می‌کند (Hoffmann, 2005: 111-113). کنترل بر اطلاعات، معرفت و شناخت بُعد مهمی از قدرت است. انتشار افکار و اطلاعات جدید می‌تواند به الگوهای جدید منجر شود و اثبات‌کننده عامل مؤثر مهمی در هماهنگی سیاست‌گذاری بین‌المللی باشد (Haas, 1992A: 2-3). از نظر فوکو باید بپذیریم که قدرت و دانش مستقیماً بر یکدیگر دلالت می‌کنند، این که هیچ رابطه قدرتی نیست که به طرز نهادینه شده‌ای رابطه‌ای متقابل با یک زمینه دانش نداشته باشد و هیچ دانشی هم نیست که پیش‌فرض‌ها و بنیادهایش بر روابط قدرت نباشد. یکی از موضوعات مورد نظر فوکو جای دادن تولید دانش و حقیقت در مرکز تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی و جدا نکردن تولید دانش از تولید قدرت است (دیوتیاک و دردریان، ۱۳۸۰: ۱۱۱).

سازمان‌گاران اغلب کاوش‌هایی در مورد تأثیر عقاید علی از طریق اجتماعات شناختی یا شبکه‌های فراملی کارشناسان مبتنی بر شناخت انجام داده‌اند. در این جا تحقیقات تجربی به دنبال ارتباط نقش‌هایی هستند که چنین اجتماعاتی در فرآیندهای سیاست‌سازی برای تأثیر عقاید خود به منظور برطرف کردن مشکلات سیاسی ویژه نظیر فرسایش لایه اوزون، فراهم کردن ظرفیت عملیاتی برای منافع عموماً دوگانه دولت، بازتعریف منافع دولت‌ها و رژیم کنترل آلودگی دارند و گفته می‌شود که "یادگیری" (Learning) نقش مهمی دارد (Ruggie, 1998: 19-20).

نحوه تأثیرگذاری این کنشگران به این صورت است که آنها در شکل دادن به سیاست‌گذاری از طریق چارچوب‌بندی (Framing) روابط علی و معلولی میان مشکلات پیچیده، قالب‌بندی موضوعات برای مباحث جمعی، ارائه سیاست‌های خاص و مشخص کردن نکات برجسته در مذاکرات نقش دارند (Haas, 1992A: 2-3). آنها همچنین در روند سیاست‌گذاری به وسیله تعریف روشی که در آن واقعیت تعریف و درک می‌شود، توانمند کردن دولت‌ها و دیگر کنشگران برای تعریف منافع‌شان، به وسیله تنظیم دستورکار مداخله کرده و تأثیر می‌گذارند (Deacon, 2007: 89).

در عین حال باید توجه داشت که اعضای اجتماعات شناختی ادراکاتی از یک موضوع را جمع‌آوری کرده و راه‌حلی را که در توافق و سازش با علم هستند و نه لزوماً با منافع سیاسی دولت و کنشگران دیگر پیشنهاد می‌کنند (Williams, 2005: 413).

آنها اطلاعات حیاتی را به وسیله تفسیر مشکلات و پیشنهاد کردن راه‌حلی

برای آن مشکلات فراهم می‌کنند. اجتماعات شناختی معرفتی اجماعی تولید می‌کنند صرف‌نظر از این که این معرفت نوعی بازنمایی حقیقت باشد یا این که به طور اجماعی ساخته شده باشد (Thomas, 1997: 221). به عنوان مثال معرفت اجماعی می‌تواند تعهد به اصول زیستی یا عقاید اقتصاد کینزی باشد (Stone, 2002: 133). در نهایت علم و فرآیند تصمیم‌سازی سیاسی حداقل در سه شیوه عمده فعالیت متقابل دارند. اول این که، حرکت و پیشرفت علمی در کل منجر به تصمیمات جدید می‌شود. از طرف دیگر تأثیرات جامعه نیز تحقیقات علمی را هدایت می‌کند؛ دوم این که، عالمان وظیفه دارند تصمیم‌سازان را درباره مشکلات بالقوه و جاری، زمانی که آنها آشکار می‌شوند، آگاه کنند نه زمانی که سیاستمداران خواهان یا موافق با این آگاهی هستند؛ و سوم این که عالمان، مشارکت‌کنندگان ضروری برای فرآیندهای تصمیم‌گیری سیاسی هستند (Rykiel J.R, 2002: 154).

در مجموع می‌توان گفت که اجتماعات شناختی با تعریف طبیعت حوزه‌های موضوعی و چارچوب‌بندی زمینه‌ای که در آن اطلاعات و انگاره‌های جدید تفسیر می‌شوند طیفی از گفتمان جمعی را در خصوص سیاست‌گذاری مشخص می‌کنند و تصمیم‌سازان را به سمت انتخاب هنجارهای مناسب و نهادهای مناسبی که درون آنها مشکلات حل و مدیریت می‌شوند، هدایت می‌کنند. این کنشگران نه تنها از طریق توانایی هایشان برای چارچوب‌بندی موضوعات و تعریف منافع دولتی، بلکه از طریق تأثیرشان در تنظیم معیارها و توسعه قوانین در نوآوری‌های عرصه سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارند و با انتشار این ابداعات به دولت‌ها کمک می‌کنند که انتظاراتشان را باز تعریف کرده، به فهم مشترک برسند و رفتارهایشان را هماهنگ کنند (Adler and Haas, 1992: 375-379).

این کنشگران از طریق فرآیند یادگیری اجتماعی منجر به تغییر رفتارها و سیاست‌ها می‌شوند. یادگیری نهادی فرآیندی است که افراد یا کنشگران جمعی در طی آن شناخت به دست می‌آورند و این منجر به تغییر در رفتارهایشان می‌شود و در نتیجه، ترتیبات نهادین تغییر پیدا می‌کنند. کنشگران در این بُعد، گروه‌های شهروندی، گروه‌های ذی‌نفع، شرکت‌های تجاری، نمایندگان حکومتی، یا شبکه‌هایی متشکل از چنین کنشگران متنوعی هستند (Siebenhuner and Suplie, 2005: 511).

در نهایت می‌توان گفت که اجتماعات شناختی با شناسایی مشکلات، تفسیر آنها،

چارچوب‌بندی روابط علی و معلولی، ارائه راهکارهای مناسب و غالباً بی طرفانه منجر به شکل‌گیری گفتمان جمعی و هدایت تصمیم‌سازی‌ها به سمت تدابیر مؤثر برای برطرف کردن مسائل می‌شوند و با ارائه آگاهی و شناخت و انتقال و انتشار آن تغییر رفتارها و سیاست‌ها را هدایت می‌کنند.

### اجتماعات شناختی و سیاست‌گذاری جهانی زیست محیطی

در ابتدا اجتماعات شناختی ملی ظهور کرده و فعالیت‌هایشان را به طور گسترده‌ای به سمت کشوری واحد هدایت می‌کردند (مثل اجتماع امریکایی یا اجتماع اتحاد جماهیر شوروی که توسط آدلر مطرح شده‌اند)، این اجتماعات در بعضی موارد تبدیل به اجتماعاتی فراملی شدند که این عمل در نتیجه انتشار افکار و عقاید اجتماع از طریق کنفرانس‌ها، مجلات علمی و همکاری‌های تحقیقاتی و از طریق طیفی از تماس‌ها و ارتباطات غیررسمی صورت گرفت (Haas, 1992A: 16-17).

نمونه‌هایی از اجتماعات شناختی عبارتند از: برنامه بین‌المللی هیدرولوژیکی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل در سال ۱۹۷۵؛ نهاد بین‌المللی مدیریت آب در سال ۱۹۸۴ و انجمن بین‌المللی مولد برق که در سال ۱۹۹۵ تشکیل شد (Mukhtarov, 2007:7).

حوزه محیط زیست نمونه‌ای برجسته از تأثیر سیاست‌گذاری اجتماعات شناختی است. در پاسخ به افزایش یافتن تعداد توافقنامه‌های بین‌المللی زیست محیطی از شروع دهه ۱۹۷۰، بسیاری از تحلیلگران نقش گروه‌های فنی و علمی فراملی را در عرصه سیاست بین‌الملل برجسته کردند (Paterson, 1996: 134).

در واقع از طریق علم است که مقیاس مشکلات، حوزه تعارض‌شان و محدوده راه‌حل‌های‌شان مشخص می‌شود. تنها از طریق تحقیقات علمی است که ما حتی از مشکلات جهانی عمده همچون تغییرات آب و هوایی، سوراخ شدن لایه اوزون و کاهش تنوع زیست محیطی آگاه می‌شویم. علم اغلب نقشی حیاتی در طول فرآیند تعریف موضوع و تنظیم دستورکار بازی می‌کند. دانشمندان از طریق انتشار نتایج تحقیقات و حمایت ویژه از اعمال می‌توانند در این که چطور و چه زمانی مشکلات خاص را داخل دستور سیاست‌گذاری بین‌المللی قرار دهند، تأثیر گذار باشند (O'Neill, 2009: 95).

در حوزه مسائل زیست محیطی، توصیه‌های علمی و فناوری نقش مهمی بازی

می‌کنند زیرا آنها به پایه‌هایی شکل می‌دهند که بر اساس آنها راه حل‌های امکان‌پذیر برای تهدیدات زیست‌محیطی در نظر گرفته می‌شوند. به همین دلیل نظرات و عقاید دانشمندانی که در حوزه‌های مربوطه کارشناس به حساب می‌آیند برای حکومت‌ها و سیاست‌سازان اهمیت دارد (Kutting, 2000: 21). در جایی که تصمیم‌سازان نمی‌توانند تصمیمات را بر اساس معرفت موجود یا تجربه‌های قبلی به وجود آورند، چارچوب اجتماعات شناختی برای توضیح تأثیر دانشمندان مخصوصاً دانشمندان زیست‌محیطی به کار برده شده است (Stone, 2002: 133).

اعضای اجتماعات شناختی نوعاً به عنوان مشاورانی برای حکومت‌های ملی درگیر در مذاکرات زیست‌محیطی و به عنوان کارمندانی در نهادهای بین‌المللی درگیر در عرصه سیاست جهانی (غالباً در برنامه محیط‌زیست سازمان ملل و بانک جهانی) خدمت می‌کنند (Haas, 2001: 324). کشورهایی که در آنها سیاست‌سازان به سمت کارشناسان برای دریافت توصیه‌هایی رفته‌اند جملگی به "فشار آورندگان" (Pushers) برای کنترل‌های بین‌المللی شدید تبدیل شده‌اند (Sprinzand and Vaahtoranta, 1994: 80). این اجتماعات اغلب در اتصال با شبکه‌های سیاست‌گذاری وسیع، بوروکراسی‌های کارکردی، سازمان‌های فراملی علمی، سازمان‌های غیرحکومتی و خدمتگزاران مدنی بین‌المللی کار می‌کنند (Williams, 2005: 391).

شبکه‌های فراملی عالمان زیست‌محیطی از دهه ۱۹۷۰ و بعد از کنفرانس استکهلم رشد زیادی داشته‌اند (Haas, 2001: 312). اجتماعات شناختی احساس می‌کنند در شرایط نامساعدی در ارتباط با شرایط تهدید کننده زمین، در ارتباط با تغییرات اتمسفریک یا اضافه بارهای شیمیایی هستند. این اجتماعات در تعدادی از اعتقادات علمی و اصولی در مورد موضوعات زیست‌محیطی سهیم هستند و به طور اولیه متشکل از زیست‌شناسانی‌اند که در اعتقاد به نیاز برای تحلیلی جامع و دیدگاهی که دربردارنده توصیه سیاست‌گذاری آنها است، دخیل هستند (Hanningan, 2006: 94,102).

موضوعاتی همچون باران‌های اسیدی، فقدان تنوع زیستی، گرم شدن زمین، فرسایش لایه اوزون و جنگل‌زدایی همگی نمونه مشکلاتی هستند که اولین بار به وسیله مجموعه‌ای از مشاهدات علمی نشان داده شدند (Hanningan, 2006: 94).

با توجه به مطالب گفته شده به بررسی نقش اجتماعات شناختی در حوزه‌های موضوعی گوناگون زیست‌محیطی مهمی همچون آلودگی‌های دریایی و مدیریت



منابع آبرزی، آلودگی هوا، فرسایش لایه اوزون، تغییرات آب و هوایی و مبارزه با کویرزایی می‌پردازیم.

### آلودگی‌های دریایی

بسیاری از مشکلات دریاها در نتیجه تراکم آلودگی‌هایی است که با افزایش بی‌رویه صنعتی شدن و شهری شدن به وجود آمده‌اند. این مسائل، بر اهمیت سیاست‌گذاری در حوزه دریاها و منابع آن‌ها افزوده است. مثالی در مورد نقش اجتماعات شناختی در مسائل زیست‌محیطی در دهه ۱۹۷۰ "برنامه عمل مدیترانه" است. این برنامه رژی می‌برای کنترل آلودگی دریایی در حوزه دریای مدیترانه است. دولت‌های حوزه مدیترانه در کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ سازمان ملل در خصوص محیط‌زیست انسانی بابت آلودگی‌های نفتی اظهار تأسف کردند و این مسأله مورد توجه قرار گرفت. متعاقب آن موافقتنامه‌ای منطقه‌ای برپا شد و معاهده بارسلونا به عنوان عنصر حقوقی این موافقتنامه در سال ۱۹۷۷ امضاء شد و ۴ پروتکل نیز مورد مذاکره قرار گرفت. برنامه عمل مدیترانه توسط جمعی از زیست‌شناسان و دانشمندان دریایی شکل گرفت. متعاقب درگیر شدن دانشمندان در فرآیند تصمیم‌سازی، عوامل دولتی به طور فزاینده‌ای دیدگاه‌های زیست‌محیطی‌شان را منعکس کردند. این اجتماعات عقاید مشترکی در مورد نیاز به نگهداری از کیفیت محیط‌زیست، خاستگاه و شدت آلودگی‌ها، سیاست‌گذاری فوری برای کنترل آلودگی و ضرورت انجام تحقیقات برای تعیین ارتباط میان منابع آلودگی و سلامت دریا داشتند. این دانشمندان به حکومت‌هایشان فشار آوردند تا آنها را در جهت حفاظت و حمایت از معیارهای برنامه محیط‌زیست سازمان ملل برای کنترل منابع آلودگی و موافقت با سیاست‌های برنامه عمل مدیترانه ترغیب کنند. البته دانشمندان به کنفرانس‌هایی که توسط برنامه محیط‌زیست سازمان ملل به منظور تبادل اطلاعات ترتیب داده می‌شد نیز دعوت می‌شدند که این حمایت‌ها وجهه دانشمندان را افزایش داد. در واقع این اجتماعات با شکل دادن به سیاست‌های حکومت‌هایشان حمایت‌های بین‌المللی از این برنامه را تقویت می‌کردند (Haas, 1989: 377,380,384,385,387).

مدیریت منابع آبرزی نیز یک ضرورت زیست‌محیطی است. به مدت بیش از دو دهه دانشمندان نگران بحرانی بودند که در مورد ذخایر ماهی‌ها در آتلانتیک شمالی وجود داشت و بر اهمیت استفاده از رویکردی محتاطانه تأکید داشتند. در واقع اجتماعی علمی در هواداری از محیط زیست گرایی در مدیریت ماهی‌ها وجود دارد. در طول

ده سال گذشته توجه اکثر دانشمندان از حفاظت ماهی‌ها به حفاظت زیست‌محیطی تغییر یافته است و آن‌ها رویکرد مبتنی بر زیست‌بوم را برای مدیریت وضعیت ماهی‌ها پیشنهاد کرده‌اند. شورای بین‌المللی کاوش در دریا نمونه‌ای است از مفهوم اجتماع شناختی متشکل از دانشمندان که در آن داده‌هایی در خصوص ذخایر دریایی ماهی و محیط‌زیست جمع‌آوری می‌شود و به عنوان مکانی برای اجتماع بیش از ۱۶۰۰ دانشمند امور دریایی از ۲۰ کشور اطراف آتلانتیک شمالی و با پذیرفتن اعضای از اطراف جهان و ناظرانی از سازمان‌های غیرحکومتی زیست‌محیطی عمل می‌کند. این شورا به اتحادیه اروپا و دیگر مقامات مدیریت دریایی پیشنهاد کرده که می‌بایست یک دیدگاه همگرا با کاربرد رویکردی اکوسیستمی اتخاذ شود. کمیسیون رویال در خصوص آلودگی زیست‌محیطی نیز نهاد علمی دیگری است که در اجتماع شناختی نظارت‌کننده بر منابع آبی مشارکت دارد. شاهد دیگر از چنین اجتماع علمی نامه‌ای است که توسط ۱۰۰۷ دانشمند از ۹۷ کشور (بعلاوه ۲۸۱ سازمان غیر حکومتی از ۶۲ کشور) در سال ۲۰۰۵ امضاء شد و خواستار اعلام مهلت قانونی توسط سازمان ملل برای جلوگیری از ماهیگیری زیاد در اقیانوس پاسفیک شد تا از منابع آبی آسیب‌پذیر حمایت کنند. (Gray and Hatchard, 2007: 2,87).

### بیابان‌زایی

مشکل بیابان‌زایی مشکلی چند وجهی است. بیابان‌زایی به وسیله تعدادی از فرآیندهای زیست‌محیطی و اجتماعی اقتصادی به وجود آمده و در نتیجه تأثیرات گوناگون و جلوه‌های بیوفیزیک داشته و به طور همزمان در طیفی از مقیاس‌های منطقه‌ای و مکانی رخ داده است. در سال ۱۹۷۷ برنامه محیط‌زیست سازمان ملل، کنفرانس سازمان ملل را در خصوص بیابان‌زایی ترتیب داد و از طریق این مذاکره، برنامه محیط‌زیست سازمان ملل درک علمی را در خصوص بیابان‌زایی و خشکسالی گسترش داد. اجتماع علمی جهانی نقشی کلیدی در تهیه مقدمات این کنفرانس بازی کرد و اطلاعات در دسترس را بر مبنای تعریف، گستره و شدت بیابان‌زایی ترکیب و تلفیق کرد و فراهم‌کننده یکی از بهترین کنفرانس‌های سیاسی تدارک دیده شده علمی در دهه ۱۹۷۰ بود. در این کنفرانس شاهد پیدایش "برنامه عمل برای مبارزه با کویرزایی" هستیم که نتیجه مباحث سیاسی ناشی از اطلاعات و داده‌های علمی مستقیم بود. این برنامه دستورالعمل عمومی

در جهت سازمان دهی و هماهنگی فعالیت‌ها به منظور کنترل جهانی کویزایی تا سال ۲۰۰۰ را برای برنامه محیط‌زیست سازمان ملل فراهم کرد. این کنفرانس بر اهمیت ارزیابی بیابان‌زایی، تعریف فعالیت‌های برطرف کننده مناسب برای احیاء زمین‌های تخریب شده، پیشبرد درک فرآیندها و تغییرات بیوفیزیکی که منجر به بیابان‌زایی می‌شوند و اکتشاف ارتباط میان بیابان‌زایی و دیگر مشکلات زیست‌محیطی تأکید داشت (Bauer and Stringer, 2009: 249,250,252).

تأثیر فعالیت‌های اجتماعات شناختی در کنوانسیون مبارزه با کویزایی در سال ۱۹۹۴ نیز دیده می‌شود. در این کنوانسیون به طور دقیق بر درگیری کنش‌گران غیرحکومتی، به ویژه سازمان‌های اجتماع محور هم در بعد سیاست‌سازی و هم در بعد اجرایی تأکید شد. همچنین گفته می‌شود ایجاد مشارکت بین‌المللی گسترده علمی در این کنوانسیون اهمیت زیادی دارد، به این علت که مصداق‌های بیابان‌زایی در کشورهای گوناگون با هم فرق می‌کند و دولت‌های مختلف و اجتماعات شناختی، کارشناسان مرتبط با ابعاد گوناگون بیابان‌زایی را دارند. قصور و کوتاهی در فراهم کردن زیربنا و شالوده‌ای مناسب برای شناخت نظام مند توسط طیف گوناگونی از گروه‌های علمی، دولت‌ها، و اعضای علمی در سطح منطقه‌ای منجر به این می‌شود که گروه‌ها اطلاعات و شناخت محدود و دلخواهانه‌ای داشته باشند و بر اساس این آگاهی محدود تصمیمات سیاست‌گذارانه را اتخاذ کنند. پاسخ‌ها و عکس‌العمل‌های بین‌المللی مؤثر به مسأله بیابان‌زایی نیازمند ارتباط مناسب میان عالمان و تصمیم‌گیرندگان است. در اجتماع تغییرات آب و هوایی، آب و هواشناسان، هواشناسان، دانشمندان دریایی و اتمسفریک تسلط دارند در حالی که در اجتماع علمی بیابان‌زایی عمدتاً زیست‌شناسان، جنگلبانان و دانشمندان کشاورزی و خاک حضور دارند (Bauer and Stringer, 2009: 250,252,256,261).

### مسائل آب و هوا

#### الف: آلودگی هوایی

آلودگی‌های شیمیایی پایدار ترکیبات شیمیایی مصنوعی هستند که سمی و پایدارند. این ترکیبات را می‌توان به سه طبقه آفت‌کش‌ها، مواد شیمیایی صنعتی و فرآورده‌های غیرعمدی ناشی از تولیدات تقسیم کرد. این مواد که می‌توانند در دراز مدت انتقال یابند، آثار سوءشان در فواصل دور و نزدیک از محل انتشارشان رخ می‌دهد و

تهدیدات زیست محیطی دارند (Selin and Eckley, 2003: 18). این مطالب اهمیت بررسی این مسأله از طرف اجتماعات شناختی را نمایان می‌کند.

یکی از مهمترین رژیم‌های مبتنی بر شناخت که امروزه موجود است، رژیم آلودگی هوایی فرامرزی پایدار است که هدفش کاهش انتشار آلودگی هوایی در سراسر مرزهای منطقه کمیسیون اقتصادی سازمان ملل برای اروپا است. به نظر می‌رسد در اینجا نیز اجتماع شناختی قوی درون این حوزه وجود دارد. در مورد این معاهده راهی برای تبادل اطلاعات علمی و داده‌های تجربی به وجود آمد و این امر رشد و گسترش مبانی شناخت مشترک را ممکن ساخت. تصمیم‌گیرندگان نیز به همکاری علمی توجه کردند (Lidskog and Sundqvist, 2002: 86).

پذیرش سیاست‌های جمعی برای اروپا که همان معاهده باران اسیدی سال ۱۹۷۹ در خصوص آلودگی هوایی فرامرزی پایدار است ناشی از همفکری و مشورت دانشمندان اتمسفریک است. در واقع حکومت‌های اروپایی اعتراف کردند که شکل‌گیری این معاهده به طور گسترده ناشی از این حقیقت بود که دانشمندان و نخبگان کاملاً از نیاز برای تلاش‌های هماهنگ مشترک تمام کشورهای اروپایی برای حل مشکلات ضروری آگاه بودند. مشکلات فراملی زیست‌محیطی مثل تغییرات آب و هوایی، آلودگی دریایی و هوایی مثال‌های خوبی هستند از شکل‌گیری و اجرای موفق رژیم‌های زیست‌محیطی متناسب به اجتماعات شناختی (Kim, 2007: 443). پروتکل مربوط به کنوانسیون آلودگی دوربرد هوایی فرامرزی در مورد آلاینده‌های شیمیایی پایدار در سال ۱۹۹۸ و کنوانسیون استکهلم برنامه محیط زیست سازمان ملل در خصوص آلاینده‌های شیمیایی پایدار در سال ۲۰۰۱ نیز از نقش اجتماعات شناختی حکایت دارند. پروتکل سال ۱۹۹۸ از طریق فرآیندهای ارزیابی علمی طولانی شکل گرفت. این کار در کارگروه‌های گوناگونی سازماندهی شد که این کارگروه‌ها در خصوص آلاینده‌های شیمیایی پایدار بین سال‌های ۱۹۹۴-۱۹۹۱ چهار بار همدیگر را ملاقات کردند و گزارش ارزیابی قابل توجهی را درباره وضعیت شناخت علمی در خصوص انتشار، انتقال و آثار این مواد منتشر کردند و درباره گزینه‌های متفاوت کاهش آنها بحث کردند. این کارگروه‌ها نقش مهمی در تأسیس مبنای علمی برای اقدامات بعدی ایفا کردند. در مجموع فعالیت‌های سیاسی و علمی به طور درونی با کار در خصوص آلودگی شیمیایی پایدار مرتبط

بودند. هرچند که گفته می‌شود مرز مشخصی میان علم و سیاست وجود نداشت (Selin and Eckley, 2003: 22,32,24,25).

ب: لایه ازون

کلروفلوروکربن جزء طبقه‌ای از مواد شیمیایی است که توسط شرکت جنرال موتورز در سال ۱۹۳۱ کشف شد و به طور گسترده‌ای در دستگاه‌های خنک‌کننده، تهویه هوا، و عایق کاری به کار گرفته شد. در واقع کلرین موجود در کلروفلوروکربن باعث شکاف ملکول‌های لایه ازون می‌شود و توانایی این لایه را برای جلوگیری از رسیدن اشعه‌های مضر فرابنفش تحلیل می‌برد. این مسأله تهدیداتی علیه کل محیط‌زیست دارد و اجتماعات شناختی در این زمینه وارد شده‌اند (Haas, 1992B: 196,197).

در واقع نمونه‌ای از تأثیر اجتماعات شناختی در برجسته کردن مشکلات زیست‌محیطی در دهه ۱۹۸۰ موضوع فرسایش لایه ازون است. اجتماع شناختی فراملی از دانشمندان اتمسفریک در تأثیرگذاری بر مذاکراتی که به امضای پروتکل مونترال در خصوص حفاظت از لایه ازون در سال ۱۹۸۷ منجر شد، از طریق مباحث گام به گام در خصوص طیف وسیعی از مفادی که به قوانین پوشش و سرعت دادند، مؤثر بود (Hanningan, 2006: 102). رژیم لایه ازون از کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه ازون (۱۹۸۵)، پروتکل مونترال در خصوص مواد تخریب‌کننده لایه ازون (۱۹۸۷) و چهار اصلحیه پروتکل مونترال تشکیل شده است. فرسایش لایه ازون اولین بحران جهانی زیست‌محیطی بود که نتایج مذاکراهی موفقیت‌آمیزی داشت و به طور کلی علامتی برای پیروزی علم بود (Williams, 2005: 407).

اجتماع شناختی زیستی دخیل در مذاکرات لایه ازون متشکل از دانشمندان اتمسفریک و سیاست‌گذارانی بود که با مجموعه مشترکی از ارزش‌های علمی موافق بودند، شکل گرفت که بر حفظ کیفیت محیط‌زیست تأکید داشتند و تحلیل‌های علمی خود را قبول داشتند. اعضای اجتماع شناختی همگی با این مطلب موافق بودند که تراکم آلاینده‌های فیزیکی ضرورتاً در بردارنده نتیجه زیانباری برای تمام محیط‌زیست است به این دلیل که نظام طبیعت را مختل می‌کند. این اجتماع شناختی فراملی از برنامه محیط‌زیست سازمان ملل، آژانس حفاظت محیط‌زیست آمریکا و وزارت امور خارجه آمریکا در امور اقیانوس‌ها و امور علمی زیست‌محیطی بین‌المللی و نیز دانشمندان استراتوسفریک در اجتماع علمی بین‌المللی تشکیل شده بود. این اجتماع به طور

گسترده‌ای عهده‌دار جلب و فراخوان توجهات به تهدیدات موجود در مورد لایه اوزون و انتخاب سیاست‌گذاری برای حفظ آن بود و از طریق انتشار اطلاعاتی که حاوی نیاز به کنترل‌های بین‌المللی شدید کلروفلوروکربن بود مباحث را به سمت انعقاد معاهده قوی در خصوص حفاظت از لایه اوزون پیش برد (Haas, 1992b: 188,189,19).

تا اواسط دهه ۱۹۸۰ اجماع قوی علمی شکل گرفت که نشان می‌داد انتشار گازها به واسطه فعالیت‌های انسانی تهدیدی برای لایه استراتوسفریک اوزون است. این آگاهی و دانش از فرسایش لایه اوزون منجر به بروز نگرانی‌هایی در میان عموم مردم شد و فشارهایی بر تصمیم‌سازان در جهت حفاظت از لایه اوزون وارد کرد. تا اواسط دهه ۱۹۸۰ اجماع کافی در میان علمای علوم طبیعی برای آغاز مذاکرات رسمی در خصوص رژیم لایه اوزون موجود بود، اما حکومت‌ها هنوز فقدان شواهد کافی در ارتباط با نظریه فرسایش لایه اوزون را یادآوری می‌کردند (Sprinz and Vaahutoranta, 1994: 87).

هاس تغییراتی را در عقاید کنشگران مختلف در خصوص تهدیداتی که کلروفلوروکربن‌ها برای محیط‌زیست دارند، توصیف می‌کند. در این قضیه علاوه بر اجتماعات شناختی تعداد نسبتاً کوچکی از عوامل صنعتی و تولیدکنندگان کلروفلوروکربن در آمریکا و در اروپا به همراه گروه‌هایی از افراد بدبین نسبت به عواقب این مواد در اغلب کشورها تشکیل دهنده "ئتلاف ممانعت‌گرایان" بودند. تا قبل از سال ۱۹۸۵ مخالفت‌های صاحبان صنایع وجود داشت. بعضی از شرکت‌ها اعلام می‌کردند که اگر شواهد علمی تأثیرات منفی گازها را بر سلامت انسان نشان دهد طولی نمی‌کشد که نمی‌توانند کلروفلوروکربن تولید کنند. اما عاملی که در اینجا دخالت کرد این بود که بر اثر فعالیت‌های اجتماعات شناختی و انتشار اخبار درباره لایه اوزون نگرانی عمومی افزایش یافت و در اثر فعالیت‌های اجتماعات شناختی انتظاراتی برای قانون‌گذاری در مورد کاهش این گازها شکل گرفت (Sebenius, 1992: 357,358).

#### ج: تغییرات آب و هوایی

مثالی از نقش مهم اجتماعات شناختی در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی در دهه ۱۹۹۰ معرّف نقش این اجتماعات در مشکل جهانی تغییرات آب و هوایی است. فرآیندهایی از دهه ۱۹۸۰ توسط این اجتماعات در خصوص تغییرات آب و هوایی آغاز شد که در دهه ۱۹۹۰ پیگیری و منجر به انعقاد توافقنامه‌های جهانی در این خصوص شد که در ادامه به آن اشاره خواهد شد.

اغلب فعالیت‌های صنعتی و فعالیت‌های دیگر بشر آلودگی‌هایی را تولید کرده است که در محیط فیزیکی جمع شده و منجر به خطرات زیست‌محیطی غیر قابل پیش‌بینی شده‌اند. آلودگی زیست‌بوم از نظر جغرافیایی جابه‌جا می‌شود. بنابراین آلودگی‌های ساطع شده در یک منطقه ممکن است در جاهای دیگر نیز نمایان شود. تغییرات آب و هوایی محصول فعالیت بشر است که اغلب مشکل زیست‌محیطی جهانی جدید است و از نظر سیاسی چالش برانگیز است. توافق علمی جدید مطرح کرده که استفاده از سوخت‌های فسیلی به گرمای هوای زمین تا سال ۲۰۵۰ اضافه می‌کند تا حدی که ممکن است منجر به دخالت گسترده‌ای در حیات زیست‌بوم‌ها شود (Haas, 2001: 313).

بیشتر دانشمندان موافقند که بر اثر تجمع گازهای گلخانه‌ای و دی‌اکسیدکربن، گرم شدن زمین ادامه خواهد یافت و این گرما پتانسیل آن را دارد که الگوهای آب و هوا را تغییر دهد، یخ‌های قطب را آب کند، آب و هوای روزانه را متاثر کند، طوفان‌های شدید و فراوان را افزایش دهد و الگوهای باثبات درجه حرارت را تغییر دهد. همچنین شرایط آب و هوایی را تغییر می‌دهد، سطح آب را بالا آورد، به محصولات کشاورزی خسارت زند و تنوع زیستی را هم نابود کند. تغییرات آب و هوایی مشکلی جهانی است، اگرچه آثار بالقوه آن در همه جا یکسان نیست اما کل زمین را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این موارد در علم و چرخه‌های سیاست تشخیص داده شده‌اند، پس پاسخ به این مشکل هم جهانی است. در خصوص مذاکرات چندجانبه‌ای که مشکلات تغییرات آب و هوایی را نشان می‌دهند واقعاً هم دولت‌ها نقش داشتند، هم صدها سازمان غیرحکومتی که در حال کار کردن بر سطوح چندگانه‌اند تا رفتار حکومت‌ها، شرکت‌ها و عموم مردم را تغییر دهند، صدها تن از دانشمندان نیز برای بالا بردن سطح دانش در خصوص آب و هوا و آگاهی از تغییرات آب و هوایی کار می‌کنند، سازمان‌های بین‌المللی نیز در این موضوع درگیر هستند (Hofmann, 2005: 118). پس اجتماعات شناختی در رابطه با گرم شدن زمین و تغییرات آب و هوایی وجود دارند و آن‌ها را می‌توان حول گروهی که در "هیأت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی" گرد آمده‌اند، تعریف کرد. سازمان جهانی هواشناسی و همچنین برنامه محیط‌زیست سازمان ملل در تأسیس هیأت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی نقش داشتند و یکی از ارکان برپا کردن آن بودند. در این هیأت مشاهده می‌شود که اجتماعات شناختی، بیشتر خود را سازمان داده و بزرگترین اجتماع سازمان‌یافته سیاسی است که هنوز عهده دار ارزیابی وضعیت آگاهی علمی

در خصوص تغییرات آب و هوایی است. به این ترتیب اجتماعات شناختی عامل بسیار مهمی هستند در ارتباط با این که چگونه گرم شدن زمین در دستورکار سیاسی وارد شده است. آنها مشکل را تعریف کرده‌اند، فعالیت هایشان توافقی در خصوص طبیعت مشکلات به وجود آورده است و نهادهایشان برای پاسخگویی سیاسی در این مورد فشار می‌آورند. همگی این موارد برای شرح این موضوع که چرا گرم شدن زمین به یک مسأله سیاسی با اهمیت در دستورکار بین‌المللی تبدیل شده است، مهم هستند (Paterson, 1996: 140,144,146).

درواقع هیأت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی یکی از بهترین نمونه‌های سازمان علمی فعال در تدبیر جهانی امور زیست‌محیطی است. این هیأت سازمانی فراملی با ۳۰۰۰ دانشمند است که وظیفه‌شان جمع‌آوری، ارزیابی و انتقال اطلاعات نتایج علمی درباره دلایل و آثار تغییرات جهانی آب و هوا است (O'Neill, 2009: 63). هیأت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی، طرحی را برای توسعه و اجرای فعالیت جهانی، به صورت جامع و مرحله به مرحله در جهت حل مشکل گرم شدن زمین تحت رویکردی تکاملی و منعطف توصیه می‌کند. گرم شدن زمین به عنوان موضوع سیاسی جهانی برجسته در سال ۱۹۸۸ ظاهر شد. وقایع سال ۱۹۸۸ تحریک کننده طوفان ناگهانی کنفرانس‌های بین‌المللی و اظهار نظر عمده علمی در خصوص گرم شدن زمین در هیأت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی بود. این فعالیت‌ها منجر به امضای "کنوانسیون چارچوب تغییرات آب و هوایی" در کنفرانس محیط‌زیست و توسعه سال ۱۹۹۲ شد (Paterson, 1996: 140). در این کنوانسیون عضو فرعی برای توصیه‌های علمی و فناوری وجود دارد که کارگزار دانش و آگاهی است و عضو انتقال دهنده اطلاعاتی است که توسط اجتماع علمی بزرگتر در خصوص تغییرات آب و هوایی فراهم شده است و دربردارنده اطلاعاتی از جانب هیئت بین‌حکومتی تغییرات آب و هوایی است. این رویه باعث شده تدریجاً شهرتی برای این عضو به عنوان نهادی طراح به وجود آید که از طریق آن آگاهی معتبر بتواند پیشرفت سیاست‌گذاری جهانی در خصوص تغییرات آب و هوایی را تسهیل کند. مخصوصاً این عضو به هدایت گروه‌ها برای پذیرش تصمیمات علمی در جهت بهتر شدن اجرای کنوانسیون چارچوب تغییرات آب و هوایی و پروتکل کیوتو کمک می‌کند (Bauer and Stringer, 2009: 256). با توجه به این موضوع که



اجتماعاتی شناختی در مورد گرم شدن زمین وجود دارند و با افزایش این مطلب که این اجتماعات قادرند وضعیت هژمونیک را در حوزه‌های سیاست‌سازی در اکثر دولت‌های درگیر به دست آورند این انتظار وجود دارد که آن‌ها قادر باشند به شدت بر نتایج تأثیر بگذارند (Paterson, 1996: 141).

نقش هیأت بین حکومتی تغییرات آب و هوایی، بازنگری و بررسی ادبیات علمی منتشر شده در خصوص تغییرات آب و هوایی، هزینه‌ها، ابعاد و پاسخ‌های سیاست‌گذاری ممکن به آن است. این طرح همچنین در ارزیابی موضوعات فنی و علمی برای کنوانسیون چارچوب تغییرات آب و هوایی نقش بازی می‌کند. هیأت بین حکومتی سازمان ملل موفقیت‌هایی در تأسیس فهم مشترکی از تغییرات آب و هوایی که توسط بسیاری از مشارکت‌کنندگان درگیر در ساختن معاهدات تغییرات آب و هوایی پذیرفته شده، داشته است، هرچند که بعضی از طرف‌های دخیل قدرتمند متأثر نشدند. دانشمندان هیأت فعالیت اصلی خود را بر سناریوهای علمی متمرکز کرده‌اند که فرض می‌کنند تغییرات آب و هوایی واقعی است، ساخت بشر است، در حال حاضر اتفاق می‌افتد و مشکل‌ساز است. آنها به طور گسترده‌ای موفق عمل کرده‌اند اما همانطور که گفته شد بعضی از طرف‌های دخیل را متقاعد نکرده‌اند (Grundmann, 2006: 89,93).

کمیته نوبل با اهدای جایزه صلح سال ۲۰۰۷ به هیأت بین حکومتی تغییرات آب و هوایی تأکید کرد که سیاست‌گذاری جهانی مؤثر امور زیست‌محیطی نیازمند درگیری معنادار میان علم جهانی و عرصه سیاست بین‌المللی است و بنابراین میانجی‌نهادی مؤثر برای تسهیل گفتگو میان دانشمندان و سیاست‌سازان لازم است (Bauer and Stringer 2009: 248).

ارزیابی نقش اجتماعات شناختی در زمینه سیاست‌های جهانی امور زیست‌محیطی: همان‌طور که گفته شد اجتماعات شناختی نقش برجسته‌ای در بخشی از عرصه سیاست‌های جهانی دارند و اگر کنشگر اصلی نباشند یکی از کنشگران تأثیرگذار هستند. کارشناسان این اجتماعات انگاره‌ها و عقاید مشخصی درباره مشکلات دارند. آن‌ها با توجه به مهارت‌های خود راجع به موضوعات تحقیق و تفحص کرده، آن‌ها را برای مباحث جمعی چارچوب‌بندی می‌کنند، آگاهی مفید را به سیاست‌گذاران ارائه کرده و به این ترتیب نکات مهم و قابل توجه را در مذاکرات جهانی مشخص می‌کنند و توجه همگان را به موضوعات حساس جلب کرده و حتی راه‌حلی را

که بی طرفانه و در توافق و سازش با علم است ارائه می دهند. بنابراین این اجتماعات به فضای تصمیم سازی جهانی ساختار عقلانی و علمی می دهند.

اما انتقاداتی نیز به اجتماعات شناختی گرفته شده است. گفته می شود سه چالش برای محققان علمی و علم وجود دارد: اغلب علم مورد شک واقع می شود به این خاطر که خود علماء بخشی از یک گفتمان فرهنگی وسیع هستند و بنابراین استقلال ندارند و یافته های دانشمندان ممکن است نمایانگر گرایش های حامیان شان باشد؛ دوم این که استفاده از علم به وسیله اهداف سیاسی کاربران بالقوه معتدل شده است و سوم علم و نتایج آن سیاسی هستند به این علت که کاربرد علم از انتخاب های سیاست گذاری حمایت می کند که نتیجه آن عبارت است از مجموعه ای از منافع و دیگر تحمیلات (Haas, 2002).

از طرف دیگر مجموعه ادعاهای فردی و جمعی نیز وجود دارند که می گویند معرفت علمی در بعضی از ابعاد طبیعت ناقص است. بعضی از این ادعاها می توانند صریح و آشکار باشند، مثل این اظهار نظر که "ابهام علمی در مورد ارتباط علی میان انتشار گازهای گلخانه ای در قرن ۲۰ و افزایش دمای جهانی وجود دارد". گفتمان ابهام تنها به فشار عمومی محدود نمی شود. در مجادلات علمی، دانشمندان ممکن است از توصیه هایی استفاده کنند که ابهام و شک را در میان مخالفان در خصوص ادعاهای علمی به وجود آورد. یکی از شیوه هایی که از طریق آن ابهامات علمی برجسته شده اند طرح ایرادات مستقیم به دانشمندان یا گزارش های علمی است. مراجعه به ابهامات علمی در مقالات مربوط به تغییرات آب و هوا در طول دوره ۱۹۹۵-۱۹۸۵ میلادی تبدیل به مطلب برجسته و مشترکی شده بود.

در پاسخ، مطالعات سازه نگاری در مورد معرفت علمی بر این تأکید دارند که چگونه ابهامات موجود در فرآیندهای تولید علم حذف شده یا تغییر یافته اند. در نتیجه ادعاها در مورد جهان طبیعت قطعی تر شده است (Zehr, 2000: 87,89,90). یا حتی گفته می شود علم اغلب منبع اصلی اطلاعات مورد استفاده توسط تصمیم سازان نیست بلکه دانشمندان با همکاری دیگر گروه های دخیل می توانند میزان استفاده از علم را در تصمیم سازی ها افزایش دهند (Dale, 2002: 141).

از دیگر محدودیت های وارد بر اجتماعات شناختی را استون و ماکسول ارائه کرده اند. آن ها این مسأله را یافته اند که بعضی از شبکه های شناختی به دنبال منافع هستند.

به عنوان مثال گروه اوپان را مطرح می‌کنند. این گروه هدایت‌کننده تحقیقات مرتبط با تجارت است و گفتمان‌هایی را در سطوح بالا در خصوص آینده نقش سازمان تجارت جهانی پوشش می‌دهد. استون و ماکسول می‌گویند این گروه به طور غیررسمی با نیروهای اجتماعی قوی در درون سازمان تجارت جهانی، اتحادیه اروپا و شرکت‌های با نفوذ مرتبط است و از دستور کار نولیبرال‌ها حمایت می‌کند (Stone and Maxwell, 2005: 12).

از ایرادهای دیگر وارد به اجتماعات شناختی این است که این‌ها نمی‌توانند کاملاً مستقل باشند، به این دلیل که آن‌ها به حمایت مالی نهادها یا حکومت‌های کمک‌کننده متکی هستند. این اجتماعات همچنین نیازمند حمایت سیاسی هستند تا علم یا عقاید آن‌ها به سیاست‌گذاری مناسب تبدیل شود و اغلب به کمک دیگر منابع حمایتی نیاز دارند (Stone, 2005: 94).

پیتر و ارنست هاس تلاش دارند دوباره سازمان‌های بین‌المللی را به عنوان خالقان و اجراکنندگان شناخت مفهوم‌پردازی کنند و این که این کنشگران پتانسیل دارا بودن نقش "نهادهایی برای بازتعریف" دستور کار بین‌المللی را از طریق شکل دادن به "نقشه‌های راه برای تدبیر امور" دارا هستند (Dingwerth and Others, 2009: 19). در این دیدگاه می‌توان مشاهده کرد که شناخت از سازمان‌های بین‌المللی تأثیر می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

در عصر جدید که مسائل مرتبط با ابعاد گوناگون جهان به شدت در حال تغییر، پیچیده‌تر شدن و جهانی شدن است، ابعاد فنی و تخصصی مسائل پدید آمده به گونه‌ای است که رفع ابهامات، معرفی مناسب آنها، ارائه اطلاعات و آگاهی و حتی ارائه راهکارها و سیاست‌های مناسب در ارتباط با این مشکلات به کنش‌گران گوناگون، افکار عمومی و تصمیم‌سازان مستلزم بررسی دقیق و کارشناسی است تا از این طریق قادر به مهار مشکلات و عواقب آنها باشند. مسائل و مشکلات زیست محیطی همچون بیابان‌زایی، انواع آلودگی‌ها، تغییرات آب و هوایی و فقدان تنوع زیستی به شدت بشر و محیط اطراف آن را تهدید می‌کند به طوری که کنشگران نمی‌توانند بی‌تفاوت به آنها سیاست‌های مناسبی اتخاذ کنند. در این میان اجتماعات شناختی متشکل از عالمان از کنشگرانی هستند که با تحقیق و بررسی علل و عوامل

وقوع مسائل، خلق آگاهی، جلب افکار عمومی و دولت‌ها، یادگیری، دعوت به ارائه تصمیمات ضروری در این خصوص، ارائه چارچوب‌ها و حتی ارائه سیاست‌ها و راهکارها در خصوص مشکلات جهان گستر زیست محیطی، سیاست‌گذاری در این حوزه را تحت تاثیر قرار داده‌اند. به طوری که اگر در مذاکرات جهانی زیست محیطی عالمان و دانشمندان نقش مؤثری نداشته و کار کارشناسی صورت نگرفته باشد و تصمیمات بدون مشورت با آنها اتخاذ شده باشد، نتیجه و اجرای مذاکرات چندان موفقیت آمیز نبوده و کنشگران مختلف به حضور کار گروه‌های علمی و دانشمندان برای بررسی موشکافانه مسائل اذعان دارند. به طور کلی این اجتماعات شناختی از جمله کنشگران با اهمیت در حوزه تصمیم‌سازی‌های جهانی زیست محیطی هستند که نقش آنها از دهه ۱۹۷۰ برجسته شده است.

اما از طرف دیگر انتقادهایی به این کنشگران وارد شده است. بعضی معتقدند که این اجتماعات استقلال ندارند و نتایج آنان نیز سیاسی است یا این که گفته می‌شود گفتمان علمی دارای ابهام است و در رابطه با بعضی ابعاد طبیعت ناقص است. بعضی نیز می‌گویند این اجتماعات به دنبال منافع هستند و در این راستا با بعضی از کنشگران مثل واحدهای تجاری ارتباط دارند. در این مقاله با ذکر نکات مثبت و تاثیرگذار نقش اجتماعات شناختی در عرصه سیاست‌های جهانی زیست محیطی و ذکر مثال‌هایی در این خصوص به نقش آن‌ها در تصمیم‌سازی‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی تأکید شد.

## فهرست منابع:

### الف) فارسی

۱. دیوتیاک، ریچارد و دردریان، جیمز (۱۳۸۰) **نظریه انتقادی، پست مدرنیسم، نظریه مجازی در روابط بین الملل**. ترجمه حسین سلیمی. تهران: گام نو.

### ب) انگلیسی

2. Adler, Emananuel and Haas, Peter (1992) **"Conclusion: Epistemic Communication, World Order, and the Creation of Reflective Research Program"**. International Organization 46 (1): 367-390.

3. Bauer, Steffen and Stringer, Lindsay C. (2009) **"The Role of Science in the Global Governance of Desertification"**. The Journal of Environment and Development 18 (3): 248-267.

4. Cohendet, Patrick, Creplet, Frederic and Dupouet, Oliver (2001) **"Communities of Practice and Epistemic Communities: A Renewed Approach of Organisational Learning Within the Firm"**. Available at <<http://recherche.telecom-bretagne.eu/marsouin/img/pdf/dupouet.pdf>>. Last View 9 Mar. 2010. 1-18.

5. Copeland, Dale C. (2006) **"The Constructivist Challenge to Structural Realism a Review Essay"**. In Constructivism and International Relations. edited by Stefano Guzzini and Anna Leander, eds.: 1-20. London and New York: Routledge.

6. Costanza, Robert and Jorgensen, Seven Erik, eds. (2002) **Understanding and Solving Environmental Problems in the 21st Century Toward a New, Integrated Hard Problem Science**. Amsterdam: Elsevier.

7. Dale, V.H. (2002) **"Science and Decisionmaking"**. In Costanza and Jorgensen, eds.: 139-152.

8. Deacon, Bob (2007) **Global Social Policy and Governance**. London: Sage.

9. Dingwerth, Klaus, Sibenhuner, Bernd, Biermann, Frank and Bauer, Steffen (2009) **"Understanding International Bureaucracies: Taking Stock"**. In Managers of Global Change the Influence of International Environmental Bureaucracies, edited by Bernd Siebenhuner and Frank Biermann, eds.: 15-36. Cambridge MA: MIT Press.

10. Gray, Tim S. and Hatchard, Jenny (2007) **"Environmental Stewardship as a New Form of Fisheries Governance"**. ICES Journal of Marine Science Access. 1-7.

11. Grundmann, Reiner (2006) **"Ozone and Climate: Scientific Consensus and Leadership"**. Science, Technology and Human Values 31 (1): 73-101.

12. Haas, Peter M. (1992a) **"Introduction: Epistemic Communities and International Policy Coordination"**. International Organization 46 (1): 1-35.

13. Haas, Peter M. (1989) **"Do Regimes Matter? Epistemic Communities and Mediterranean Pollution Control"**. International Organization 43 (3): 377-403.

14. Haas, Peter M. (1992b) **"Banning Chlorofluorocarbons: Epistemic Community Efforts to Protect Stratospheric Ozone"**. International Organization 46 (1): 187-224.

15. Haas, Peter M. (2001) **"Environment: Pollution. In Managing Global Issues: Lessons Learned"**, edited by P.J. Simmons and Chantal De Jouge Oudraat, eds.: 310-353. Washington: Carnegie Endowment for International Peace.

16. Haas, Peter M. (2002) **"Science Policy for Multilateral Environmental Gov-**

ernance". Available at <<http://www.unu.edu/inter-linkage/docs/ieg/hass.pdf>>. Last View 9 Mar. 2010.

17. Hannigan, John (2006) **Environmental Sociology**. London and New York: Routledge.

18. Hoffmann, Matthew J. (2005) "**What 's Global About Global Governance? A Constructivist Account**". in *Contending Perspectives on Global Governance Coherence, Contestation and World Order*, edited by Alicc Ba and Mathew J. Hoffmann, eds.: 110-128. London and New York: Routledge.

19. Kim, Inkyoung (2007) "**Environmental Cooperation of Northeast Asia: Transboundary Air Pollution**". *International Relations of the Asia-Pacific* 7 (3): 439-462.

20. Kutting, Gabriela (2000) **Environment, Society and International Relations**. London and New York: Routledge.

21. Lidskog, Rolf and Sundqvist, Goran (2002) "**The Role of Science in Environmental Regimes: The Case of LRTAP**". *European Journal of International Relations* 8 (1): 77-101.

22. Mukhtarov, F.G. (2007) "**Global Water Governance and the Concept of Legitimacy**". Organization: Central European University, Department of Environmental Science and Policy 1-13.

23. O' Neill, Kate (2009) **The Environment and International Relations**. Cambridge: Cambridge University Press.

24. Paterson, Matthew (1996) **Global Warming and Global Politics**. London and New York: Routledge.

25. Ruggie, John Gerard (1998) **Constructing the World Polity Essay on International Institutionalization**. London and New York: Routledge.

26. Rykiel J.R., E.J. (2002) "**Science and Decisionmaking**". In Costanza and Jorgensen, eds.: 153-166.

27. Sebenius, Jamesk (1992) "**Challenging Conventional Explanations of International Cooperation: Negotiation Analysis and the Case of Epistemic Communities**". *International Organization* 46 (1): 323-365.

28. Selin, Henrik and Eckley, Noelle (2003) "**Science, Politics, And Persistent Organic Pollutants**". *International Environmental Agreements Politics, Law and Economics* 3: 17-42.

29. Siebenhuner, Bernd and Suplie, Jessica (2005) "**Implementing the Access and Benefit-Sharing Provisions of the CBD: A Case for Institutional Learning**". *Ecological Economic* 53: 507-522.

30. Sprinz, Detlef and Vaahtoranta, Tapani (1994) "**The Interest-Based Explanation of International Environmental Policy**". *International Organization* 48 (1): 77-105.

31. Stone, Diane (2002) "**Knowledge Networks and Policy Expertise in the Global Polity**". In *Toward Global Polity*, edited by Richard Higgot and Morton Ougaard, eds.: 125-144. London and New York: Routledge.

32. Stone, Diane (2005) "**Knowledge Networks and Global Policy**". In Stone and Maxwell, eds.: 89-105.

33. Stone, Diane and Maxwell, Simon (2005) "**Global Knowledge Networks and International Development Bridges Across Boundaries**". in Stone and Maxwell, eds.: 1-17.

34. Stone, Diane and Maxwell, Simon, eds. (2005) **Global Knowledge Networks and International Development**. London and New York: Routledge.
35. Thomas, Craig W. (1997) **"Public Management as Interagency Cooperation: Testing Epistemic Community Theory at the Domestic Level"**. Journal of Public Administration Research and Theory 2: 221-246.
36. Williams, Marc (2005) **"Knowledge and Global Environmental Policy"**. In Handbook of Global Environmental Politics, edited by Peter Dauvergne, ed.: 402-416. Cheltenham, UK: Edward Elgar.
37. Zehr, Stephen C. (2000) **"Public Representations of Scientific Uncertainty About Global Climate Change"**. Public Understanding of Science 9: 85-103.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



پښتانه  
پښتانه  
پښتانه